

مغایرت معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای

با

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اصغر حقیقی*

چکیده

«اگر چه معاهدات بین‌المللی یکی از جلوه‌های محدودکننده کشورها در عرصه بین‌المللی می‌باشند، با این حال، همین معاهدات ابزاری برای دستیابی به منافعی در عرصه بین‌المللی هستند. به عبارت دیگر هر دولتی به منظور کسب منافعی به یک معاهده خاص می‌پیوندد (هر چند که امتیازاتی نیز از دست بدهد). در این میان، معاهده «CTBT» معاهده‌ای است که جز ضرر برای ایران چیزی به ارمغان نمی‌آورد. یکی از این موارد، تضعیف و تهدید امنیت ملی ایران می‌باشد که در این مقاله بدان می‌پردازیم.»

واژه‌های کلیدی:

سلاح اتمی، خلع سلاح، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (CTBT)، بازدارندگی، امنیت ملی، بازرسی در محل.

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و محقق در زمینه خلع سلاح.

مقدمه

بشر از دیرباز با پدیده‌ای به نام جنگ مواجه بوده است که برای حذف یا کنترل آن تلاش وافری داشته است. در این تلاش در طول تاریخ نظریات متفاوتی ارائه شده است. اگر بخواهیم نظریات ارائه شده در این زمینه را در یک قالب کلی تقسیم‌بندی کنیم، بهتر است که از دو دیدگاه قدیمی رئالیسم و ایده‌آلیسم بدان بنگریم. بطور کلی، اندیشمندان رئالیسم از آنجائیکه بشر را ذاتاً شرور می‌دانستند جنگ را یک پدیدهٔ متداول در روابط بین‌انسانها، ملتها و دولتها قلمداد می‌کردند. این عده معتقد بودند که با توسل به طرق مختلف از جمله ایجاد توازن قوا، تنها می‌توان از تعداد، شدت و حدت جنگها کاست، نه اینکه جنگ را بطور کلی حذف کرد؛ به همین دلیل، از سویی به منظور ایجاد توازن قوا و از سویی دیگر به منظور اجتناب از ایجاد مسابقه تسلیحاتی فزاینده، سیستم کنترل تسلیحات از جانب واقمگرایان پیشنهاد شد. در مقابل، اندیشمندان ایده‌آلیست با نیک سیرت دانستن طبع بشر، معتقد بودند که جنگ برخاسته از شرایط زمانی و مکانی موجود هر دوره است لذا بیان می‌داشتند که با حذف یا بهبود شرایط زمانی و مکانی هر دوره، می‌توان پدیدهٔ شوم جنگ را از صحنهٔ زندگی بشر حذف کرد. بدین طریق ایده‌آلیستها روند خلع سلاح را برای از بین بردن شرایط ایجاد جنگ پیشنهاد کردند.

به هر حال بدون بحث در مورد سودمندی یا عدم سودمندی روند خلع سلاح و کنترل تسلیحات باید یادآور شد که تسلیحات از لحاظ قدرت تخریبی، به دو نوع تسلیحات متعارف و غیرمتعارف (کشتار جمعی) تقسیم می‌شوند. تسلیحات کشتار جمعی شامل سلاحهای بیولوژیکی (میکروبی)، شیمیایی و اتمی می‌شود.^۱ سایر سلاحها نیز در دسته تسلیحات متعارف گنجانده می‌شوند.

۱. جمشید ممتاز، «حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی»، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷.

خلع سلاح تسلیحات متعارف و غیرمتعارف از زمانهای بسیار دور وجود داشته است. بعد از تولید سلاح اتمی و کاربرد آن در سال ۱۹۴۵^۲ و آگاهی جهانی در مورد آثار این سلاح مرگبار، افکار عمومی جهان به سمت خلع سلاح جهانی سوق یافت. روند خلع سلاح تسلیحات کشتار جمعی و بویژه خلع سلاح اتمی به علت وجود جنگ سرد میان دو ابرقدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده امریکا بسیار با کندی پیش می‌رفت ولی بعد از اتمام جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جریان خلع سلاح با یک‌تازی امریکا در مجامع بین‌المللی سرعتی دو چندان به خود گرفت؛ در حالی که در زمان جنگ سرد، بعد از مذاکرات پیچیده و طولانی تنها دو معاهده عام «عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای (NPT)»^{*} در سال ۱۹۶۸ و «معاهده سلاحهای بیولوژیکی (BWC)»^{**} در سال ۱۹۷۲ منعقد شده بود، بدنبال فروپاشی شوروی (سابق) و هموار شدن مشکلات، جریان خلع سلاح سرعت یافت و به فاصله کمتر از یک دهه، چند معاهده در این زمینه منعقد و یا تهدید شد از جمله: معاهده سلاح‌های شیمیایی (CWC)^{***} در سال ۱۹۹۳، تمدید نامحدود معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در سال ۱۹۹۵ و معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (CTBT)^{****} در سال ۱۹۹۶.

با توجه به این نکته که معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است^۳، فرضیه این تحقیق این می‌باشد که «معاهده منع جامع

^۲ اولین آزمایش بمب اتمی توسط آمریکا در نیومکزیکو به تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ انجام شد و تنها کاربرد آن در هیروشیما و ناگازاکی به ترتیب در تاریخهای ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵ بوده است.

^{*} Non – proliferation of nuclear weapons (NPT).

^{**} The biological weapons convention (BWC).

«معاهده منع گسترش، تولید و منع سلاح‌های بیولوژیکی و سمی و نابودی آنها»

^{***} The chemical weapons convention (CWC).

«معاهده منع گسترش، تولید، ذخیره و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها»

^{****} Comprehensive nuclear – test – ban treaty (CTBT).

^۳ بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی

باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد».

آزمایشات هسته‌ای با امنیت ملی ایران مغایر می‌باشد.» لذا پیوستن به این معاهده همسو با منافع ملی ایران نمی‌باشد. لازم است قبل از پردازش فرضیه و یافتن صحت و سقم آن توضیحاتی در مورد معاهده «CTBT» داده شود.

روند انعقاد معاهده «CTBT»

از سال ۱۹۵۴، تقریباً ده سال بعد از اولین آزمایش هسته‌ای در سال ۱۹۴۵، زمانیکه نخست‌وزیر هند، به منظور توقف آزمایشات هسته‌ای، موافقتنامه معروف به «stand - still» را پیشنهاد کرد، جامعه بین‌المللی برای دستیابی به پایانی بر آزمایشات سلاح هسته‌ای تلاش داشته است.^۴ آگاهی از تأثیرات مضر آزمایشات هسته‌ای در جو بطور روزافزونی بر درخواستها برای پایان آزمایشات افزود. در طول جنگ سرد، سه معاهده در مورد آزمایش هسته‌ای منعقد شد. از جمله: یک معاهده چندجانبه منع جزئی آزمایش، منعقدشده در سال ۱۹۶۳ و دو معاهده دو جانبه که به ترتیب در سالهای ۱۹۷۴ (معاهده منع آزمایش آستانه) و ۱۹۷۶ (معاهده انفجارات هسته‌ای صلح آمیز) بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا منعقد شد که البته هیچ کدام از معاهدات فوق جامع نبود.^۵ انعقاد یک معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای از جمله پیشنهادات کشورهای جهان سوم بود. ایران در کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۹۵ بر این موضوع تأکید داشت.^۶

علیرغم تلاشهای فوق، انجام آزمایشات هسته‌ای، به دلیل ادامه جنگ سرد و رقابتهای موجود بین شرق و غرب همچنان ادامه داشت تا اینکه کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل در ژنو، از ژانویه ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) مذاکرات مربوط به تدوین متن معاهده منع جامع آزمایشات

^۴. «united nations and CTBT», united nations Institute for disarmament research, number 51, 1/96, P. 7.

^۵. comprehensive nuclear – test – ban treaty, (united nations), p. 7.

^۶. روزنامه ابران، ۱۳۷۴/۲/۲، ص ۱.

هسته‌ای را آغاز نمود. روند شکل‌گیری متن معاهده «CTBT» را می‌توان در چند مرحله مشاهده کرد:^۷

۱- دوران دو ساله قبل از تمدید نامحدود معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای «NPT» در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)؛ در زمانی که هنوز استیلای پنج کشور هسته‌ای عضو دائم شورای امنیت برای همیشه بر بقیه کشورهای جهان جنبه قانونی نیافته بود. در این مقطع، مذاکرات بطور طبیعی در کنفرانس خلع سلاح ژنو جریان داشت.

۲- دوران ۶ ماهه پس از تمدید نامحدود منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای «NPT» در اواخر سال ۱۹۹۵ و اوایل سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵). در پی تمدید نامحدود «NPT» و تثبیت و تحکیم استیلای پنج کشور هسته‌ای* برای همیشه بر بقیه جهان، مذاکرات مربوط به تدوین متن معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای وارد مرحله جدیدی شد و این کشورها از موضعی قدرتمندانه‌تر، آشکارا خواستار معاهده‌ای بودند که مکمل پیروزی آنها در تمدید نامحدود استیلای خود بر بقیه جهان یعنی تمدید نامحدود معاهده «NPT» باشد.^۸ ولی در این راه با مقاومت کشورهای غیرمتعهد بویژه هند و پاکستان مواجه شدند.

۳- دوران تقریباً ۶ ماهه آخر مذاکرات در سال ۱۹۹۶ که طی آن آمریکا و بطور کلی غرب پس از اطمینان از اینکه امکان پیشبرد متن مطلوب خود را در کنفرانس خلع سلاح (که یکایک اعضای آن از حق وتو در مورد تصمیمات و گردش کار برخوردار می‌باشد) وجود ندارد، از یک سو مذاکرات را به سوی یک بن‌بست ساختگی سوق داده و از سوی دیگر مقدمات طرح همان متن را توسط استرالیا به عنوان یک متن ظاهراً مناسبتر فراهم ساختند.^۹ سرانجام استرالیا با تکیه بر حمایت پنهان آمریکا و حمایت کشورهای دیگر از

^۷ آیا مجلس معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای را تصویب خواهد کرد؟ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۱۱، ص

۱۱.

* آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، انگلیس، فرانسه و چین.

^۸ «وزارت خارجه و دستاورد مجامع خلع سلاح بین‌المللی» روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۲۵، ص ۲.

^۹ برای اطلاعات بیشتر نسبت به چگونگی انجام این عمل رجوع شود به: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۱۱، ص ۱۱.

جمله ژاپن، آرژانتین و فدراتیو روسیه، متن پیشنهادی «CTBT» را تسلیم مجمع عمومی (که در آن اعضا از حق وتو برخوردار نیستند) کرد.

مجمع عمومی در پنجاهمین جلسه خود در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ از طریق تصویب قطعنامه «A/RES/50/245»، معاهده منع جامع آزمایش اتمی «CTBT» را با ۱۵۸ رأی مثبت، ۳ رأی منفی* و ۵ رأی ممتنع** تصویب کرد. در همین قطعنامه، مجمع عمومی از دبیر کل سازمان ملل بعنوان امین معاهده درخواست کرد تا معاهده را در سریعترین زمان ممکن برای امضاء در اداره مرکزی سازمان ملل در نیویورک بگشاید. از اینرو، معاهده در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶ برای امضاء توسط دبیر کل گشوده شد. مطابق ماده ۱۱ معاهده، معاهده تا زمان لازم الاجرا شدن گشوده خواهد ماند.

در همان روز اول گشایش معاهده، ۷۱ کشور از جمله ۵ کشور دارای سلاح هسته‌ای و ۲۷ کشور از مجمع ۴۴ کشوری که طبق ماده ۱۴، تصویب آنها برای لازم الاجرا شدن معاهده ضروری می‌باشد، معاهده را امضاء کردند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهای بود که در روز ابتدای گشایش، آنرا امضاء کرد. تا پایان سال ۱۹۹۶، ۱۳۸ کشور معاهده را امضاء کردند ولی تنها یک کشور (فیجی) آنرا تصویب کرد. اگر چه با گذشت زمان تعداد امضاء کنندگان و تصویب کنندگان معاهده افزایش یافته است، بطوریکه تا کنون ۱۶۰ کشور معاهده را امضاء و ۶۹ کشور آنرا تصویب کرده‌اند. اما این معاهده تا کنون لازم الاجرا نشده است.

معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای مرکب از یک مقدمه، ۱۷ ماده، دو ضمیمه و یک پروتکل می‌باشد. پروتکل معاهده که به تشریح روشهای بازرسی از کشورها به منظور کشف موارد تخلف از مفاد معاهده اختصاص دارد، خود دارای دو ضمیمه می‌باشد. موضوعات مواد معاهده «CTBT» به شرح زیر می‌باشد:

ماده ۱: تعهدات اساسی اعضاء.

* بوتان، هند و لیبی.

** کوبا، لبنان، موریتس، جمهوری عربی سوریه و جمهوری متحده تانزانیا.

ماده ۲: در ارتباط با سازمان معاهده.

الف: مقررات کلی.

ب: کنفرانس دول عضو.

ج: شورای اجرایی.

د: دبیرخانه فنی.

ه: امتیازات و مصونیت‌ها.

ماده ۳: اقدامات اجرایی ملی.

ماده ۴: راستی آزمایی (تائید پایبندی به معاهده).

الف: مقررات کلی.

ب: سیستم نظارت بین‌المللی.

ج: مشورت و توضیح.

د: بازرسی محلی.

ه: اقدامات اطمینان ساز.

ماده ۵: اقدامات لازم جهت اصلاح یک وضعیت و حصول اطمینان از پایبندی، شامل

تحریم‌ها.

ماده ۶: حل و فصل اختلافات.

ماده ۷: اصلاحات.

ماده ۸: بازنگری معاهده.

ماده ۹: مدت و کناره‌گیری.

ماده ۱۰: وضعیت پروتکل و ضمیمه.

ماده ۱۱: امضاء.

ماده ۱۲: تصویب.

ماده ۱۳: الحاق.

ماده ۱۴: لازم‌الاجرا شدن.

ماده ۱۵: تحفظات.

ماده ۱۶: امین معاهده.

ماده ۱۷: متون معتبر.

ضمیمه شماره یک: فهرست کشورهای موضوع بند ۲۸ ماده ۲.

ضمیمه شماره دو: فهرست کشورهای موضوع ماده ۱۴.

پروتکل معاهده.

با کسب آشنایی مختصر درباره چگونگی انعقاد معاهده «CTBT»، اکنون در دو بخش کلی برخی از مواد معاهده را که مغایر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، بررسی می‌کنیم.

الف) تعهد به عدم انجام آزمایشات هسته‌ای

«غرب سیاسی» علیرغم تجزیه بلوک شرق و تمدید نامحدود «NPT»، شکسته شدن انحصار خود در زمینه قدرت هسته‌ای و ظهور قدرتهای جدید هسته‌ای را غیر ممکن نمی‌دانست. آنها با توجه به اینکه کسب سلاح هسته‌ای را بدون مبادرت به آزمایشات انفجاری هسته‌ای غیر ممکن می‌دانند، با طراحی معاهده «CTBT» و منع آزمایشات هسته‌ای از طریق آن، سعی در حفظ و تداوم انحصار خود در زمینه هسته‌ای و ممانعت از ظهور قدرتهای هسته‌ای جدید داشتند. مطابق با همین هدف مشاهده می‌شود که بند اول ماده یک معاهده اظهار می‌دارد که: «۱- هر دولت عضو، متعهد می‌شود که هیچ انفجاری برای آزمایش سلاح هسته‌ای یا هیچ انفجار هسته‌ای دیگری انجام ندهد و انجام این قبیل انفجارات هسته‌ای را در هر جا که تحت قلمرو یا کنترل او باشد ممنوع و از آنها جلوگیری نماید. ۲- همچنین هر دولت عضو، متعهد می‌شود که از تمهید، تشویق یا به هر طریقی دخالت در انجام هر انفجاری برای آزمایش سلاح هسته‌ای یا هر انفجار هسته‌ای دیگر خودداری کند.»

براساس بند فوق جمهوری اسلامی ایران (و هر کشور دیگری) با تصویب معاهده «CTBT» عملاً خود را از به دست آوردن سلاح اتمی محروم خواهد کرد؛ چرا که دستیابی

به بمب اتم (حداقل در زمان کنونی) بدون انجام آزمایشات انفجاری هسته‌ای غیرممکن است. با توجه به منطقه استراتژیک خاورمیانه و وجود کشورهای هسته‌ای در این منطقه از جمله اسرائیل، پاکستان، و عراق (کشور اخیر برای دستیابی به سلاح اتمی تلاش فراوانی کرده است ولی تاکنون هیچ آزمایش انفجاری هسته‌ای انجام نداده است) سؤالاتی به ذهن متبادر می‌شود که تفکر در مورد آن خالی از اهمیت نیست؟:

«با وجود تهدیدهای فراوان از سوی این کشورها نسبت به تمامیت ارضی و ارزشهای مورد قبول جمهوری اسلامی ایران، آیا عدم دستیابی به سلاح اتمی، ایران در موضع پایین تری از لحاظ نظامی نسبت به این کشورها (و کشورهای دیگر منطقه) قرار نخواهد گرفت؟» «آیا ایران با دستیابی به سلاح اتمی و استفاده از قدرت بازدارندگی آن، نمی‌تواند از وقوع تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی نسبت به امنیت ملی خود استفاده کند؟» «آیا با دستیابی به سلاح اتمی، نمی‌توان از آن بعنوان یک اهرم فشار در مجامع بین‌المللی استفاده کرد؟»

مسلم است، که هر کشوری در نظام هرج و مرج گونه بین‌المللی برای حفظ امنیت و بقای خود نیاز به ابزار و وسایل نظامی دارد. تهدید به استفاده از زور یکی از ویژگیهای قدیمی روابط بین‌الملل می‌باشد در سیستم بین‌المللی، همانگونه که «رابرت آزگود» اشاره می‌کند:

«ابزار اصلی نظم - یعنی نیروهای مسلح - خود منشأ اصلی تهدید امنیت می‌باشد.»^۱ به عبارت دیگر، بهبود کمی و کیفی نیروی نظامی یک کشور به منظور حفظ امنیت ملی خود، از سوی دیگر کشورها بعنوان تهدیدی نسبت به امنیت آنها قلمداد می‌شود، لذا آنها نیز درصدد افزایش و بهبود نیروی نظامی خویش برمی‌آیند. این عمل باعث مسابقه تسلیحاتی بین کشورها می‌شود. این دو وجهی بودن نیروی نظامی (دفاعی و تهدیدی بودن نیرو و سلاح نظامی)، معمای دفاع نام دارد.

^۱. یاری بوزان، «مردم، دولتها، هراس»، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۹.

علیرغم مبحث فوق، باید خاطر نشان ساخت که سلاح اتمی بیشتر دارای جنبه دفاعی است تا تهاجمی. با نگاهی به تاریخ می توان این مطلب را به خوبی درک کرد. این سلاح در طول حیات بیش از نیم قرن خود تنها دو بار مورد استفاده قرار گرفته است که آن نیز به علت بازداشتن ژاپن از ادامه جنگ در اصل (بازدارندگی) بود نه برای شروع جنگ. در پیرامون کشورمان ایران، کشورهای وجود دارند که با توجه به وضعیت گذشته و معاصر و متغیر بسودن شرایط بین المللی (دوست امروز = دشمن فردا) می توانند تهدیدی برای ایران باشند؛ از جمله این کشورها عراق، پاکستان، و اسرائیل، و ... هستند.

عراق

با توجه به رابطه گذشته ایران و عراق و وجود بحرانهای فراوان در زمانهای مختلف بین این دو کشور، مخصوصاً وقوع جنگ هشت ساله تحمیلی توسط عراق علیه ایران، کشور عراق یک تهدید بالقوه بسیار جدی نسبت به تمامیت ارضی کشورمان می باشد. عراق با توجه به وضعیت جغرافیایی خود، برای دستیابی به فضای جغرافیایی بهتر، بخصوص در منطقه خلیج فارس، همیشه چشم طمع به مناطقی از کشورهای همسایه داشته است و هر از چند گاهی نیز اقدام به تجاوز علیه کشورهای همسایه کرده است. از جمله آنها دو جنگ اخیر خلیج فارس بوده است که در هر دو بحران، یک سوی آن عراق بوده است.

عراق از جمله کشورهایی بوده است که با وجود پیوستن به معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته ای و متعهد شدن به عدم تولید و کسب سلاح اتمی، در جهت کسب و تولید سلاح اتمی گامهای بسیاری برداشته است. این مسأله در پی بازرسیهایی که بعد از جنگ عراق - کویت توسط بازرسان سازمان ملل از این کشور صورت گرفت، تأیید شد.

عراق حتی بعد از اخراج بازرسان سازمان ملل، مجدداً فعالیتهای هسته ای خود را برای ساخت بمب اتم آغاز کرد. این نکته توسط برخی از مقامات فراری عراقی از جمله «سلیمان

یاسین زوئیر* تایید شده است.^{۱۱} با وجود این چنین همسایه بالقوه خطرناکی در کنار کشور ایران و سعی آن برای دستیابی به بمب اتم از یک سو و با توجه به وجود روابط خصمانه و غیردوستانه در چند سال اخیر بین دو کشور ایران و عراق از سوی دیگر، لزوم دستیابی به بمب اتم برای ایجاد یک نیروی بازدارنده بسیار قوی در مقابل تهدیدات آینده عراق بسیار ضروری جلوه می‌کند. استفاده عراق از سلاح شیمیایی در سطح گسترده در جنگ با ایران^{۱۲} (که نشان‌دهنده عدم پایداری آن به اصول اخلاقی و انسانی و تعهدات قراردادی است) و همچنین عدم انعقاد پیمان صلح بعد از جنگ هشت ساله بین ایران و عراق^{۱۳}، ضرورت دستیابی به بمب اتم از سوی ایران را دو چندان می‌کند. برای کشورهای خاورمیانه و بویژه همسایه‌های عراق نظیر کشور ما چه تضمینی وجود دارد که در آینده از تهدیدهای هسته‌ای این کشور مصون بمانند؟

اسرائیل

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران یکی از دوستان نزدیک رژیم صهیونیستی بود. با وقوع انقلاب اسلامی، به یکباره ایران به یکی از دشمنان قوی و جدی اسرائیل تبدیل شد که از همان ابتدا ضدیت خود را با رژیم صهیونیستی اسرائیل اعلام کرد و در مقابل، حمایت همه‌جانبه‌ای از مسلمانان و جنبشهای اسلامی فلسطین انجام داد. از آن زمان تا کنون روابط اسرائیل و ایران بصورت خصمانه ادامه داشته و هر یک از دو طرف سعی در از میان برداشتن یکدیگر داشته‌اند.

*مهندس طراحی که به مدت ۱۳ سال در کمیسیون انرژی اتمی عراق کار کرده بود.

11. Marie-Colvin, "Saddam builds new atom bomb", the Sunday-Times, 24/ December/ 2000.

^{۱۲} برای اطلاع از چگونگی و میزان استفاده عراق از سلاح شیمیایی رجوع شود به: «تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، جلد دوم، صص ۹۴-۴۰.

^{۱۳} اصغر جعفری ولدانی، «کانونهای بحران در خلیج فارس»، (تهران، کیهان، ۱۳۷۷)، ص ۲۹.

اسرائیل از جمله معهود کشورهای است که به معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای نیوسته است و بطور علنی سعی در تولید و گسترش سلاح هسته‌ای داشته است؛ که در این میان هیچ فشار بین‌المللی جدی نیز به آن کشور برای پیوستن به این معاهده صورت نگرفته است.^{۱۴} علاوه بر این، به دلیل وجود ارتباط و رابطه نزدیک و خوب اسرائیل با امریکا، جدیدترین پیشرفت‌ها در مورد سلاح اتمی توسط امریکا در اختیار اسرائیل قرار می‌گیرد؛ به طوریکه براساس اطلاعات موجود، اسرائیل در حال حاضر حدود ۲۰۰ بمب هسته‌ای دارد.^{۱۵}

براساس یک نظرسنجی از مردم اسرائیل، به دنبال تضعیف عراق بعد از جنگ علیه کویت، ایران بزرگترین و اصلی‌ترین دشمن اسرائیل به حساب می‌آید، با توجه به خصوصیت جنگ طلبانه اسرائیل، وقوع جنگی در منطقه که یک طرف آن اسرائیل باشد، بویژه بعد از انتفاضه دوم، بعید نیست. چنانچه رئیس اتحادیه آب اسرائیل گفته است: «کمبود آب در اسرائیل به مثابه انبار باروتی است که ممکن است ما را به یک جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار بکشاند». پرفسور افنیرعدین افزوده است: «به هر میزان که به کمبود آب افزوده شود، تنش میان اسرائیل و همسایگانش افزوده خواهد شد؛ زیرا آنها نیز دچار همین مشکل می‌باشند».^{۱۶}

با در نظر گرفتن مباحث فوق، در صورت وقوع جنگ در منطقه (بین اسرائیل - ایران، یا بین اسرائیل - جهان اسلام) اسرائیل با داشتن سلاح هسته‌ای، دارای قدرت و توان نظامی بالاتری نسبت به دیگر کشورهای منطقه خواهد بود؛ لذا دستیابی ایران (یا دیگر کشورهای

^{۱۴} نیوستن اسرائیل به معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای از جمله دلایل برخی از کشورهای عرب منطقه خاورمیانه برای نیوستن (به معاهدات خلع سلاحی و کنترل تسلیحاتی می‌باشد)، پذیرش معاهده NPT و بازرسیهای آزانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی اسرائیل از جمله خواسته‌های ایران در کنفرانس بازنگری NTP در سال ۱۹۹۵ بود. (روزنامه ابرار، ۷۴/۲/۲، ص ۱)

^{۱۵} ابراهیم بیگ‌زاده، بدیع بودن منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷ - ۱۹، ص ۲۶۹.

^{۱۶} - فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۹

مسلمان منطقه) به سلاح هسته‌ای می‌تواند باعث ایجاد بازدارندگی و محیطی عاری از جنگ (به علت ترس از تسلیحات) شود.

از بُعدی دیگر، بدون وقوع جنگ در منطقه و حاکم بودن محیط نه جنگ و نه صلح، اسرائیل در میز مذاکرات مسائل مربوط به منطقه با استفاده از اهرم سلاح هسته‌ای می‌تواند دست برتر داشته باشد و با تکیه بر توان این سلاح، منافع بیشتری را کسب کند. کسب سلاح هسته‌ای توسط ایران (و دیگر کشورهای منطقه) می‌تواند توازنسی در نیروی نظامی کشورها ایجاد کند.

پاکستان

در مورد کشوری مانند پاکستان که دارای روابط به ظاهر حسنه‌ای با ایران می‌باشد، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. هرچند که ایران روابط خصمانه‌ای با پاکستان ندارد (بدون توجه به روابط خصمانه‌ای که از سوی گروه‌های پاکستانی نسبت به ایران اتخاذ می‌شود مانند ترور شخصیتهای ایرانی)، ولی محیط بین‌المللی به صورتی است که کشورها در تعقیب منافع ملی خود، در طول حیات خود، سیاستهای مختلفی را اتخاذ می‌کنند. اتحاد با دیگر کشورها علیه کشور خاص، یکی از جمله این سیاستها می‌باشد. اگرچه پاکستان به عنوان یک کشور مسلمان شناخته شده است، اما در طول تاریخ شواهدی وجود دارد که کشورهای دارای ایدئولوژی یکسان بر علیه هم عمل کرده‌اند و یا اینکه کشورهای دارای ایدئولوژی مختلف بر علیه کشور خاصی با هم متحد گردیده‌اند.^{۱۷}

^{۱۷} - برای مثال: اتحاد کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق با ایدئولوژی کمونیست و آلمان با ایدئولوژی فاشیست در اوایل جنگ جهانی دوم و یا اتحاد کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق با ایدئولوژی کمونیست و کشورهای غربی (انگلیس و امریکا) با ایدئولوژی لیبرالیستی بر علیه فاشیسم در اواخر جنگ جهانی دوم.

با در نظر گرفتن این مسئله چه بسا پاکستان در آینده روابط خصمانه‌ای با ایران در پیش گیرد.

۲. پاکستان در مواقعی از حکومت‌هایی که روابط دوستانه‌ای با ایران نداشته‌اند حمایت کرده‌است، برای نمونه می‌توان از حمایت پاکستان از طالبان نام برد. تصور کنید که پاکستان اطلاعات هسته‌ای خود را در اختیار طالبان قرار می‌داد. در این صورت آیا تضمینی به عدم تهدید از سوی طالبان علیه ایران وجود داشت؟ در صورت وقوع تهدید هسته‌ای از سوی طالبان، ایران با چه نیرویی با این تهدید مقابله می‌کرد؟
۳. امنیت ملی تنها در بعد نظامی جلوه نمی‌کند، بلکه جلوه و نمودهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی نیز دارد. ورود مواد مخدر یکی از تهدیدهای علیه امنیت ملی (اجتماعی و فرهنگی) ایران است. علاوه بر افغانستان، پاکستان نیز یکی از صادرکنندگان مواد مخدر به ایران می‌باشد. چه بسا ممکن است ورود مواد مخدر به مسأله‌ای تبدیل شود که پیامد آن وقوع جنگ بین ایران و پاکستان باشد؛ در این صورت سلاح هسته‌ای پاکستان نقش بسزایی در سرانجام جنگ خواهد داشت.
۴. علیرغم اشتیاق ایران به داشتن روابط حسنه با پاکستان، دولتمردان پاکستان چنین اشتیاقی را در مورد ایران نداشته‌اند. این نظر را می‌توان از عملکرد آنان از جمله عدم پیگیری و مجازات عاملان ترور شخصیت‌های ایرانی در پاکستان مشاهده کرد.
۵. پاکستان در چند دهه گذشته، تمایل فراوانی به برقراری رابطه با غرب از خود نشان داده است، چه بسا که این تمایل روزی باعث ایجاد موضع خصمانه علیه ج.ا. ایران شود. موضعی که از سوی پاکستان در مقابل افغانستان اتخاذ شد.

با توجه به مباحث فوق، جمهوری اسلامی ایران با تصویب معاهده «CTBT» عملاً خود را از دارا بودن سلاح هسته‌ای محروم می‌کند. در نتیجه امنیت ملی ایران به دلیل عدم توازن قوا در منطقه متزلزل خواهد شد. لذا برای ایجاد امنیت در مقابل تهدیدات احتمالی آینده از سوی همسایگان منطقه‌ای و حتی کشورهای دیگر (مانند امریکا) باید به دنبال ایجاد با نیروی برتری

باشد که این خود باعث ایجاد وابستگی در بعد نظامی و بعد در ابعاد دیگر و سرانجام وابسته کردن امنیت خود به تصمیمات دیگران خواهد شد.

ب) نظام بازرسی معاهده «CTBT»:

اکثر معاهدات خلع سلاح برای اطمینان از پایبندی اعضا به تعهدات خود، بازرسیهایی را در نظر گرفته‌اند. اکثر این بازرسیها توسط سازمانهایی خارج از سیستم معاهده و توسط ارگانهایی دیگر بخصوص ارگانهای در ارتباط با سازمان ملل متحد مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت می‌گیرد. معاهدات «CWC» و «CTBT» برخلاف دیگر معاهدات، برای نظارت بر پایبندی اعضا به تعهدات خود، اقدام به تأسیس سازمانی به این منظور کرده‌اند. نحوه تشکیل و سازماندهی کار سازمان بازرسی در معاهدات مربوط ذکر شده است. سیستم نظارتی و بازرسی معاهده «CTBT»، مشابه نظام معاهده منع سلاحهای شیمیایی است، با این تفاوت که سازمان بازرسی «CTBT» (که با نام اختصاری CTBTO شناخته می‌شود) برای نظارت بر عملکرد دولتهای عضو، دستگاههای بسیار قوی در خشکی، فضا و بستر اقیانوس و دریاها نصب می‌کند و این دستگاهها به طور شبانه‌روزی و از طریق ماهواره، اطلاعات لازم را به «CTBTO» منعکس می‌کنند. نظام بازرسی این معاهده تلفیقی از نظام بازرسی تاییدی و اتهامی است. در این خصوص ماده ۴ معاهده «CTBT» اشعار می‌دارد:

«جهت تحقیق درمورد پایبندی به این پیمان باید یک نظام بازرسی شامل موارد ذیل تشکیل و سازماندهی شود:

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| الف - نظام نظارت بین‌المللی. | Monitoring System |
| ب - جلسه مشاوره و توضیح. | Consultation and Clarification |
| ج - بازرسی از محل. | On-Site Inspections |
| د - اقدامات جلب اعتماد. | Confidence-Building Measures |

سازمان به منظور اعمال نظارت بین‌المللی، مبادرت به نصب چهار نوع دستگاه در محدوده سرزمین دولتهای عضو می‌کند که نام و ویژگی خاص فنی هر یک از دستگاهها عبارتند از:

۱. تأسیسات برای لرزه شناسی بر روی خشکی*
 ۲. تأسیسات و دستگاهی که تشعشعات هسته‌ای پراکنده در فضا را اندازه گیری می‌کند.**
 ۳. تأسیسات و دستگاهی که مبادرت به ضبط صداهای مادون صوت می‌کند.***
 ۴. تأسیسات و دستگاههایی که در بستر اقیانوسها و دریاها نصب می‌شوند و مبادرت به ضبط صداها و لرزه‌های ناشی از انفجارهای هسته‌ای می‌کنند.****
- در ایران مقدمات نصب سه نوع از دستگاهها در شهرهای تهران، مسجد سلیمان، کرمان فراهم شده است.
- در مورد جلسه مشاوره و توضیح، بند ۳۰ ماده ۴ معاهده اشعار می‌دارد: «دولت عضوی که طبق بند ۲۹ مستقیماً درخواستی را از دولت عضو دیگر (در مورد مسأله‌ای که ممکن است موجب نگرانی از نقض احتمالی تعهدات اصلی معاهده شود) دریافت می‌کند، باید هرچه زودتر برای ادای توضیح به دولت متقاضی عضو پاسخ دهد که در هر صورت این پاسخ نباید بیش از ۴۸ ساعت از زمان دریافت تقاضا به طول انجامد...»
- در مورد بازرسی در محل، بند ۳۴ ماده ۴ بیان می‌دارد: «هر دولت عضو حق دارد تا طبق مقررات این ماده و بخش دوم پروتکل، درخواست نماید تا در خاک یک دولت عضو یا هر محل دیگری تحت قلمرو یا کنترل او، یا در هر منطقه‌ای خارج از قلمرو یا کنترل یک دولت، بازرسی در محل انجام گیرد.» همچنین براساس بند ۵۶ همین ماده: «هر دولت عضو باید طبق مقررات این معاهده و پروتکل، به سازمان اجازه دهد تا در خاکش یا در هر محلی که تحت قلمرو یا کنترل او باشد، بازرسی در محل را انجام دهد...».
- با توجه به مباحث فوق نکاتی جلب توجه می‌کند که باید در تصمیم‌گیری نسبت به تصویب یا عدم تصویب معاهده، توسط مجلس شورای اسلامی مورد توجه قرار گیرد:

* seismological

** Radionuclide

*** Infrasound

**** Hydroacoustic

۱- آنچه‌آنکه مشاهده می‌شود با تصویب و پیوستن به معاهده، فعالیت تأسیسات و دستگاه‌های مربوط به سیستم نظارت بین‌المللی به طور رسمی آغاز می‌گردد. (جالب اینجاست که هنوز معاهده توسط ایران به تصویب نرسیده ولی مقدمات نصب دستگاه‌های مربوط در ایران بدون نظر مجلس شورای اسلامی فراهم و حتی فعالیت برخی از آنها آغاز شده است. این نکته را باید در نظر داشت که امضای معاهده هیچ تعهدی به تصویب معاهده بر عهده دولت امضاکننده قرار نمی‌دهد.^{۱۸}) نصب و فعالیت این دستگاه‌ها به صورتی است که هرگونه فعالیت انفجاری و تشعشعات هسته‌ای و صداهای مادون صوت را در خشکی و دریا ثبت می‌کند و از این طریق سازمان «CTBTO» می‌تواند به وجود فعالیت در جهت آزمایش انفجاری هسته‌ای پی ببرد. توجه به توضیح فوق باعث می‌شود تا این تفکر عامیانه که معتقد است، ج.ا. ایران همزمان با تصویب معاهده توسط مجلس شورای اسلامی دستیابی به سلاح هسته‌ای را تعقیب کند، محو شود.

۲- بر اساس ماده ۱۵ معاهده، تصویب معاهده باید بدون هیچ تحفظی (شرطی) صورت گیرد. بنابراین در صورت تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به‌طور ضمنی^{۱۹} رژیم صهیونیستی را به رسمیت خواهد شناخت؛^{۲۰} دولتی که از ابتدای انقلاب اسلامی از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دشمن درجه اول اسلام و تهدیدکننده امنیت کشورهای مسلمان معرفی شده است. شناسایی دولت و کشور اسرائیل از طریق تصویب معاهده بصورت ضمنی و به دو دلیل می‌باشد:

الف) هر دو کشور ایران و اسرائیل در صورت تصویب معاهده، عضو آن قلمداد می‌شوند و این از لحاظ حقوق بین‌المللی یعنی شناسایی ضمنی دو کشور توسط یکدیگر.

^{۱۸} محمدرضا ضیائی‌بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳.

^{۱۹} همان، ص ۲۱۴.

^{۲۰} از آنجا که تصویب معاهده باید بدون هیچ شرطی (تحفظی) صورت گیرد لذا تمامی دول عضو CTBT ملزم به برقراری ارتباط با هم هستند.

ب) در صورت عضویت دو کشور ایران و رژیم صهیونیستی در معاهده، هر دو کشور ملزم به ایجاد رابطه متقابل در قالب بند ۳۰ و ۶۱ ماده ۴ معاهده می‌باشند.^{۲۱}

۳- آن‌چنانکه قبلاً ذکر شد، هر دولت عضو، بر اساس معاهده، حق تقاضای بازرسی در محل را دارد. چه بسا بعد از تصویب معاهده توسط کشورهای مختلف و لازم‌الاجرا شدن آن، کشورهای معاند با ایران به خصوص امریکا، عراق، رژیم صهیونیستی و... هر از چندگاهی تقاضای بازرسی در محل از تأسیسات هسته‌ای ایران کنند و از این طریق مداخلاتی در امور داخلی و ممانعتی از پیشرفت فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بنمایند، که این امر خود مخل امنیت کشورمان می‌شود. دلیل محکم بر این ادعا اینست که ایران با وجود اینکه به عضویت تمام معاهدات خلع سلاح کشتار جمعی بخصوص «NPT» در آمده است و صلح‌آمیز بودن فعالیتهای هسته‌ای آن و عدم تجاوز از تعهداتش مرتباً به تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دیگر سازمانهای مربوطه رسیده است؛ ولی باز هم مشاهده می‌شود که غریبها بخصوص امریکا و اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران را متهم به فعالیت در جهت دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی (میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای) می‌کنند و موانعی در راه فعالیتهای صلح‌آمیز آن ایجاد می‌کنند.^{۲۲} این امر بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر شدت بیشتری پیدا کرده است تا حدی که امریکا و قیحانه از ایران به عنوان محور شرارت نام برده است.^{۲۳}

^{۲۱} بند ۳۰ ماده ۴ در متن قبلاً توضیح داده شده است. بند ۶۱ ماده ۴ اظهار می‌دارد: «در رابطه با ناظر به شرح زیر عمل خواهد شد. الف) دولت متقاضی عضو (بازرسی در محل) در صورت موافقت دولت بازرسی شونده عضو، می‌تواند نماینده‌ای را با ملیت دولت متقاضی عضو یا ملیت یک دولت ثالث عضو، اعزام کند تا بر انجام بازرسی در محل نظارت نماید... ب) دولت بازرسی شونده عضو، بعنوان یک قاعده باید ناظر پیشنهادی را بپذیرد، اما اگر دولت بازرسی شونده عضو امتناع ورزد، این موضوع باید در گزارش بازرسی قید شود.»

^{۲۲} محمدعلی بصیری، «ایران و سلاح‌های کشتار جمعی، اتهام‌ها و واقعیت‌ها» مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان ۷۷، صص ۸۹۱-۸۹۰.

^{۲۳} وقایع بعد از ۱۱ سپتامبر، اهمیت نیروی نظامی و همچنین ضرورت دستیابی به بمب اتمی را برای ایران برجسته‌تر کرد. البته زمان اعلام آن و انجام انفجار هسته‌ای در این شرایط صحیح نمی‌باشد.

۴- تصمیم گیرندگان، در مورد تصویب معاهده «CTBT» نکته بسیار مهمی را باید مد نظر قرار دهند و آن اینکه: در صورت انجام بازرسی در محل چه تضمینی وجود خواهد داشت که اطلاعات جمع آوری شده توسط بازرسان محرمانه بماند؟ به عبارت دیگر چه تضمینی وجود خواهد داشت که این اطلاعات در مقابل دریافتهای مادی و معنوی، در اختیار کشورهای دیگر قرار نگیرد؟ آیا امریکا و رژیم صهیونیستی و دیگر کشورهای غربی با توجه به نفوذ خود در سازمانهای بین‌المللی نمی‌توانند در انتخاب بازرسان دخالت کنند و از این طریق اقدام به جاسوسی در کشورمان کنند؟

نمونه عینی موارد فوق را می‌توان در بازرسیهای آژانس بین‌المللی اتمی و انتقال اطلاعات فعالیت‌های نظامی (هسته‌ای) عراق به کشورهای امریکا و رژیم صهیونیستی مشاهده کرد. این عمل توسط «ریچارد باتلر» به عنوان بازرس آژانس (که در تصویب معاهده «CTBT» نیز نقش بسیار فعالی در جهت تحقق اهداف امریکا بر عهده داشت) صورت گرفت. پس امکان تکرار این عمل در موارد دیگر به ویژه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

۵- در ادامه با این توضیح که یکی از مظاهر حاکمیت ملی، عدم پذیرش هرگونه دخالت دیگر کشورها در امور داخلی خود به هر بهانه و منظوری می‌باشد،^{۲۴} نقض صریح این جنبه از حاکمیت ملی را در معاهده «CTBT» مورد اشاره قرار می‌دهیم:

^{۲۴} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ خود، این اصل را پذیرفته است.

اصل ۱۵۲: سیاست خارجی ج.ا.ا. براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور... استوار است.

اصل ۱۵۳: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منافع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ و ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

منبع: فرج... قربانی «مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی»، (تهران، دانشور، ۱۳۷۲) ص ۸۶

بند ۵۵ ماده ۲ معاهده اظهار می‌دارد: «نمایندگان دول عضو، بعلاوه جانشینها و مشاوران، مدیرکل، بازرسان، معاونان بازرسی و کارمندان سازمان باید از امتیازات و مصونیت‌های لازم برای انجام مستقلانه وظایف مربوط به سازمان برخوردار باشند.»

در بند دوم ماده ۴ معاهده چنین آمده است: «فعالیت‌های تحقیق و بازرسی باید بر اساس اطلاعات واقعی و محدود به موضوع معاهده، و براساس احترام کامل به حاکمیت کشورهای متعهد و با حداقل استفاده احتمالی از شیوه‌های مداخله آمیز متناسب با اجرای دقیق و به موقع اهداف آنها باشد.» سپس بند ۲۹ پروتکل معاهده در همین ارتباط عنوان شده است: «اعضای تیم بازرسی موظف خواهند بود که بدون آنکه لطمه‌ای به مزایا و مصونیت‌های آنها وارد شود، به حقوق و مقررات مذکور تحت بازرسی احترام گذارند و تا جایی که با دستورالعمل بازرسی منافات نداشته باشد، در امور داخلی آن کشور دخالت نمایند...»

سوالاتی که اینجا به ذهن متبادر می‌شوند عبارتند از: حداقل استفاده از شیوه‌های مداخله آمیز چقدر است؟ آیا هر میزانی از مداخله نمی‌تواند «حداقل» عنوان شود؟ دستورالعمل بازرسی چه اهمیت و ارزشی دارد که بر رعایت اصل عدم مداخله در امور کشورها مقدم و مرجح شده است؟ آیا منعی برای اینکه هر چیزی در این دستورالعمل و البته بنا بر توجیهی خاص گنجانیده نشود وجود دارد؟ آیا اگر در دستورالعمل بازرسی، شش ترفن مقامات درجه اول کشور، و یا بازرسی از محل کار و زندگی آنان هم گنجانده شود، کسی و نهادی می‌تواند مانع آن گردد؟

موارد فوق به تنهایی و بدون موارد مشابه زیادی که در متن معاهده «CTBT» وجود دارد برای پایمال کردن حاکمیت و استقلال کشور کافی است.

در ادامه بند ۲۹ پروتکل معاهده آمده است: «... چنانچه کشور بازرسی‌شونده گمان کند که از مزایا و مصونیت‌های تعیین شده در این پروتکل، سوءاستفاده شده، کشور عضو و مدیرکل ضمن مشورت با یکدیگر مشخص خواهند کرد که آیا چنین سوءاستفاده‌ای انجام گرفته یا نه، تا در صورت احراز آن از تکرار چنین سوءاستفاده‌ای جلوگیری شود.»

بند ۳۰ پروتکل نیز در خصوص همین مسأله و به شرح ذیل می‌باشد: «در مواردی که مدیرکل معتقد باشد مصونیت از پیگرد قضائی مانع از اجرای عدالت خواهد شد و اینکه بدون ورود هرگونه خدش‌های به اجرای مقررات این معاهده، می‌توان از این مصونیت چشم‌پوشی نمود. مصونیت اعضای تیم بازرسی از پیگرد قضایی، می‌تواند توسط مدیرکل لغو گردید. این لغو همیشه باید صریح و روشن باشد.»

در قسمت اول بند ۲۹ پروتکل، مزایا و مصونیت‌های اعضای تیم بازرسی جایگاهی برتر از حقوق و مقررات کشور تحت بازرسی حتی قانون اساسی آن یافته‌اند. در ادامه بند مزبور، با مرجع تشخیص سوءاستفاده بازرسان از این مزایا و مصونیت‌ها با ظرافت، «مدیرکل» و سازمان ناظر بر اجرای معاهده تعیین و از نهادها و مقامات کشور پذیرنده بازرسان، سلب صلاحیت شده است. در این باره عملاً کشور تحت بازرسی، نقش مخبر را ایفا می‌کند و به مدیرکل سازمان معاهده خبر می‌دهد و با او مشورت می‌کند! تا اگر او (مدیرکل) متقاعد شود که تخلفی صورت گرفته، صرفاً از تکرار آن جلوگیری شود.

مسأله در سلب صلاحیت از کشور تحت بازرسی به شرح فوق ختم نمی‌شود. طبق بند ۳۰ پروتکل معاهده، اگر یکی از بازرسان در قلمرو ما و در حین بازرسی مرتکب جرایم سنگینی چون قتل، تجاوز به عتف، جاسوسی، براندازی و... شود، پیگرد قانونی و محاکمه وی منوط به لغو مصونیت وی، آن هم فقط توسط مدیرکل سازمان ناظر بر اجرای معاهده و صرفاً در صورتی که این لغو مصونیت به اجرای مقررات لطمه نزند، خواهد بود. این یعنی تقدم اجرای مقررات معاهده «CTBT» بر اجرای عدالت و محکومیت قضائی مرتکبین جرایم سنگین در قلمرو خود ما! و این یعنی نوعی پیچیده از کاپیتولاسیون، آن هم برای اجرای مقررات معاهده‌ای که در نهایت اسارتی ابدی را به ارمغان می‌آورد!

البته باید اشاره کرد که بازداشت یک بازرس مربوط به معاهده «CTBT» به دلیل ارتکاب قتل، تجاوز یا... می‌تواند به تحریم تمام عیار اقتصادی و یا سرکوب گسترده نظامی یعنی آنچه از آنها در این معاهده تحت عنوان «اقدامات جمعی بین‌المللی» یاد شده، منجر گردد.

آخرین نکته در این قسمت این است که کاپیتولاسیون وقتی با دخالت در امور داخلی همراه و ترکیب شود، حاصلی جز اسارت تمام عیار نخواهد داشت! برخی این نتایج را با این مسأله که برای همه یکسان است توجیه می‌کنند. پاسخ این توجیه نامعقول این است که چون قدرت و موقعیت همه کشورها در عرصه بین‌المللی یکسان نیست، مفاد این معاهدات صرفاً ابزاری می‌شوند در اختیار اقویا و علیه ضعفا. ضمناً بدبختی را نباید به علت آنکه گریبان بسیاری را می‌گیرد، داوطلبانه گردن نهاد.

نتیجه

بر اساس آنچه در تحقیق فوق ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که تصویب معاهده «CTBT» به منزله رضایت داوطلبانه به افول قدرت نظامی و در نتیجه آسیب‌پذیری بسیار بالا نسبت به تهدیدات کوچک و بزرگ خارجی است. با نگاهی موشکافانه به معاهدات خلع سلاح می‌توان بخوبی پی برد که روند این معاهدات در جهت حفظ امنیت کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا می‌باشد. تا قبل از انعقاد معاهده «CTBT»، مطابق با معاهده «NPT»، تنها دلیل منع گسترش سلاح هسته‌ای، عدم دستیابی دیگر کشورها (به جز پنج کشور هسته‌ای موجود آن زمان) به اینگونه سلاحها، ذکر شده بود. غرب با مشاهده ضعفهای موجود در معاهده «NPT»، تصمیم به ایجاد معاهده‌ای وسیعتر و دقیق‌تر از آن گرفت که هم تعهدات وسیعتر و هم نظارتهای دقیقتری بر فعالیتهای هسته‌ای کشورهای مختلف داشته باشد.

معاهده «CTBT»، معاهده‌ای است که دقیقاً بر اساس خواست کشورهای غربی تدوین شده است. این معاهده، همان قدر که امنیت غرب را مستحکم می‌نماید، امنیت دیگر کشورها، بخصوص کشورهای غیرهسته‌ای را تهدید می‌کند.

ممنوعیت معاهده «CTBT» نه تنها شامل آزمایشات هسته‌ای غیر صلح‌آمیز می‌شود، بلکه آزمایشات انفجاری هسته‌ای صلح‌آمیز را نیز شامل می‌گردد. تصویب آن یعنی

عدم استفاده از تمام فواید صلح‌آمیز انرژی بسیار مفیدی مانند انرژی هسته‌ای. انرژی‌ای که با کمبود دیگر انرژیها، تمایل بیشتر و روزافزونی نسبت به استفاده از آن ایجاد شده است.

جمهوری اسلامی ایران با تصویب «CTBT» محدودیتها و موانع بسیاری را برای خود، به صورت داوطلبانه، پذیرا می‌شود؛ در حالی که در مقابل آن هیچ نفع و سودی از این معاهده شامل حال ایران نمی‌گردد. کدام بازیگر عاقلی می‌پذیرد که در مقابل دریافت هیچ امتیازی، دهها امتیاز به دیگران بدهد؟ سنای امریکا، علیرغم منافع بسیار «CTBT» برای آن کشور از تصویب آن، بعلت مغایرت با امنیت و منافع ملی آن کشور، خودداری کرده است؛^{۲۵} حال چرا ما باید در جهت تصویب آن، با وجود مضار فراوان آن نسبت به امنیت و منافع ملی خود، تلاش کنیم؟

خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که تصویب معاهده توسط آن، از جمله شروط لازم‌الاجرا شدن معاهده «CTBT» می‌باشد (ماده ۱۴)؛ لذا با عدم تصویب معاهده توسط مجلس شورای اسلامی ایران می‌توان از لازم‌الاجرا شدن آن جلوگیری کرد.

^{۲۵} بهمن ارفع، هادی فرجوند، «سازمان ملل متحد و مسئله عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، مجله سیاست خارجی، شماره